

فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

ماهیت مالکیت معنوی در حقوق ایران و اسلام

علی تقی پوریان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

چکیده:

مالکیت معنوی یکی از اقسام مالکیت هابی است که هم در فقه و هم در حقوق به آن احترام گذاشته شده و ضمانت اجراهای زیادی اعم از حقوقی، کیفری و ثبتی در راستای جلوگیری از تعرض به آن حقوق پیش بینی شده است بنابراین مالکیت معنوی در کنار مالکیت‌های عینی، جایگاه خاصی برای خود ایجاد کرده که از سوی دیگر ارزش مالی و معنوی آن در بالارفتن جایگاه آن نیز نقش بسزایی داشته است که سرانجام این عوامل باعث تدوین قوانین زیادی در باب مالکیت معنوی که نتیجه اثر فکر و اندیشه بوده را داشته است. از سوی دیگر لازم به ذکر می باشد که مالکیت معنوی به دو شاخه مالکیت فکری و مالکیت صنعتی تقسیم گردیده و هر یک نیز توسعه میدانی و قانونی به خود دیده است و وابستگی کشورها به یکدیگر و ارتباط تجاری آنها باعث توسعه روزافزون مالکیت‌های معنوی در کشورها شده است. نتیجا لازم به ذکر است که تقسیم بندی سنتی حقوق مالی به حقوق عینی و حقوق دینی در حقوق جدید و معاصر تغییر کرده و حقوق مالکیت معنوی نیز به عنوان قسم سوم حقوق مالی اضافه شده است.

واژه‌های کلیدی: حق، مالکیت عینی، مالکیت معنوی، ضمانت اجرا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ گروه حقوق، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران

مقدمه:

انسان موجودیست ذاتاً اجتماعی و دارای نیازمندیهای فراوان که این نیازمندیها اعم از مادی و معنوی باعث تنوع معاملات و تنوع نیازها شده است. روزگاری انسانها برای رفع نیازها کالا را با کالای دیگر معاوضه می کردند که محدوده توافقات توسط قوانین کشورها احصا شده بود با نگاهی به موضوع توافقات در زمان فعلی بر عکس قدیم ما به این نکته می رسیم که نیاز جوامع باعث شده تا اموال را به دو قسم مادی و غیر مادی تقسیم کرده و برای هر یک قوانین و محدوده خاصی ایجاد کنیم.

یکی از اقسام اموال که در ملکیت صاحب آن قرار می گیرد مالکیت ناشی از فکر یا سرمایه ناشی از فکر بوده که به آن مالکیت معنوی و یا فکری گفته میشود که این نوع مالکیت، مالکیت بر مال معین نیست بلکه یک امتیاز و برتری است که قانون برای صاحب آن فکر قائل شده و مورد حمایت نیز قرار گرفته است که به اقسام مختلف از جمله مالکیت ادبی هنری و مالکیت صنعتی و مالکیت بر علائم و اختراعات تقسیم بندی شده است.

در ایران پس از تصویب قانون ثبت علائم و اختراعات در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی، اولین قانون به منظور حمایت از مالکیت معنوی در سال ۱۳۴۸ تحت عنوان قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان به تصویب رسید و در پی آن، قانون دیگری به نام قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی در سال ۱۳۵۲ به تصویب رسید که نیازمند اصلاح قوانین به جهت ضرورت های اقتصادی - اجتماعی و حقوقی می باشد. از سوی دیگر ایران تاکنون به چند کنوانسیون بین المللی در خصوص مالکیت معنوی پیوسته که عبارتند از: کنوانسیون بین المللی پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی در سال ۱۳۳۷ و کنوانسیون تاسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی وایپو (wipo) در سال ۱۳۸۰ و موافقت نامه مادرید راجع به ثبت بین المللی علائم و پروتکل ناشی از سال در سال ۱۳۸۱ بوده و ایران به موجب ماده واحد قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تاسیس جهانی مالکیت معنوی مصوب ۱۳۸۰/۷/۲۵ مجلس شورای اسلامی ایران که تحت شماره ۱۳۲ - ۱۳۸۰/۷/۳۰ به تایید شورا نگهبان رسید، دولت اجازه یافت به کنوانسیون سازمان جهانی مالکیت معنوی وایپو (wipo) ملحق و اسناد مربوط را تسلیم نماید که در تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۳ کشور ایران از طریق وزارت امور خارجه به طور رسمی به عضویت وایپو درآمد.

در این تحقیق سعی شده است که مالکیت معنوی بصورت کلی در سه منظر بحث شود اول اینکه مبانی نظر مالکیت معنوی دوم اینکه مبانی حمایتی ثبتي از صاحبان مالکیت معنوی از حیث قوانین قضایی و غیره و سوم اینکه مبانی ثبتي مالکیت معنوی در سیستم حقوقی ایران بحث و تبیین شود.

۱- مبانی حقوقی

در این بخش به مبانی حقوقی حق مالکیت معنوی یا فکری نام گذاری شده به مفهوم حق و ارکان آن و مفهوم مال و ارکان آن و مفهوم مالکیت و ارکان آن و مفهوم مالکیت معنوی و اقسام آن پرداخته میشود.

۱-۱- مفهوم حق و ارکان متشکله آن

حق در لغت به معنای راست و درست، ثابت، ضد باطل، یقین و عدل، نصیب و بهره و ثبوت اسماء خداوند آمده است. (حسن عمید، فرهنگ عمید، ص ۴۴۷ و علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۷۳۸ و ابوالقاسم حسن بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۲۶) حق عبارت است از توانایی که انسان و یا شخص بر چیزی یا بر شخصی دیگر پیدا می کند که در اصطلاح حقوقی، حق توانایی است که حقوق کشور به اشخاصی می دهد تا از مالی مستقیم استفاده کنند یا انتقال مال و انجام کاری را از دیگری بخواهد (محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی، ص ۲۱۶ و سید حسن امامی، حقوق مدنی ج ۱، ص ۱۲۵ و ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق ص ۱۶۱ به بعد) در اصطلاح حقوقی اسلام، حق توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به چیز یا کس اعتبار شده و به مقتضای آن توانایی می تواند در آن چیز یا کس تصرف نموده یا بهره ای بگیرد. (ابوالقاسم گرگی، مقالات حقوقی، ج اول ص ۲۷۹ و سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، ج ۲، ص ۲۵۶) حق مفهوم بسیطی است که از ذهن انسان ها تصور می شود به ویژه برای موجود بودن در خارج بایستی دو طرف باشد تا اینکه رابطه حقوقی بین آنها اعتبار شود و قوه قانونی از آن حمایت نماید بنابراین می توان برای حق چهار رکن قائل شده که عبارتند از:

رکن اول: دارنده حق: کسی است که یک حق مالکیت نسبت به شی یا امتیازی دارد.

رکن دوم: موضوع حق یا مورد حق: مالی است مادی یا غیر مادی که دارنده حق نسبت به آن حق مالکیت یا امتیاز دارد.

رکن سوم: رابطه حقوقی: عبارت است از وضعیتی که بین دارنده حق و موضوع آن به اعتبار دارنده مالکیت و یا امتیاز و به اعتبار موضوع ملکیت ایجاد میشود.

رکن چهارم: جزا و آن عبارت است حمایتی که قانون از دارنده حق می نماید که به آن ضمانت اجرا و یا ضمانت اجراهای حمایتی گفته میشود که در قالب ضمانت اجراهای کیفری و یا مدنی و یا ثبتی تبلور و ایجاد نقش می کنند.

با توجه به تعاریف حاصله از حق و ذکر ارکان می توان از نظر ماهیتی سه ویژگی حق را اعلام کرده که حق از نظر ماهیتی سه ویژگی زیر را داراست که عبارتند از:

ویژگی اول: قابلیت اسقاط آن از ناحیه اشخاص: یعنی توسط صاحب حق، حق اسقاط می شود.

ویژگی دوم: امکان نقل و انتقال آن به اسباب قهری و ارادی: یعنی در صورت فوت صاحب حق، حق به ورثه منتقل می شود و یا اینکه در زمان حیات صاحب حق، حق به اسباب قانونی از جمله صلح حق و یا وصیت و یا به استناد ماده ۱۰ ق.م قابل واگذاری می باشد.

ویژگی سوم: امکان تعهد علیه آن یعنی اینکه صاحب حق، با استناد به اصل حاکمیت اراده می تواند تعهدی به نفع دیگر یا دیگران بر علیه حق ایجاد خود به صورت دائمی و یا موقت داشته باشد. بنابراین نظر فوق الذکر می توان گفت که حق عبارت از سلطه ای که برای شخص بر شخص دیگر یا مال یا شیئی جعل و اعتبار میشود (محقق داماد، ص ۲۵۴)

۲-۱- تعریف مال واقسام آن:

مال در لغت کلمه ای است عربی که بنا بر نظر برخی از علما از فعل ماضی (میل) اخذ شده که در معنای خواست و خواستن آمده و در زبان فارسی نیز به خواسته گفته میشود. (محمد معین، فرهنگ معین و دکتر جعفر لنگرودی، ص)

اموال جمع مال است و مال آن چیزی است که قابل استفاده باشد و ارزش اقتصادی داد و ستد داشته باشد و بشر برای رفع نیازهای خود از آن استفاده کند (جعفری لنگرودی، حقوق اموال، ش ۵۲) فرق بین مبادله اقتصادی داشته یا نداشته باشد بنابراین هر مالی شی است ولی هر شیئی مال نیست.

در گذشته واژه مال ویژه کالای مادی بود ولی پیشرفت ها در زندگی کنونی به تدریج آن را از این معنی محدود و اولیه خارج ساخته چنانچه امروزه به تمام عناصر گوناگون دارایی مانند زمین و اموال منقول و مطالبات و حقوق مالی و حق تالیف و حق اختراع و سر قفلی و غیره می توان گفت که با این اوصاف می توان اموال را از نظر شکل و صورت به اموال مادی و غیر مادی تقسیم کرد. اموال مادی به آن دسته از اموالی گفته می شود که شیئی خارجی بوده و از طریق حواس قابلیت رویت و لمس بوده و مصادیق آن بر حسب زمان و مکان متفاوت بوده است و با تحولات اجتماعی، عرفی، رشد علمی و اقتصادی تعداد آن رو به فزونی است بنابراین اشیاء چه کوچک باشند مثل مداد، خودکار و چه اشیاء بزرگ و آلات و ادوات نظیر تاسیسات صنعتی و کشاورزی چون ارزش اقتصادی داشته و رفع کننده نیازهای بشریت بود، مال محسوب شده و مشمول حق مالکیت می شوند. از سوی دیگر منافع حاصله از مال نیز به استناد ماده ۲۹ ق.م مشمول مال شده اعم از اینکه به صورت شی خارجی مثل میوه درخت و یا شیئی غیر خارجی مثل منافع اتومبیل بود، مشمول اموال مادی نیز میشوند و همینطور اشیاء اعتباری مثل پول و چک نیز چون ارزش اقتصادی داشته و بیانگر و معرف ارزش اقتصادی کالاها و اموال بود، نیز در تعریف مال و اموال مادی نیز می گنجد بنابراین پول و چک پول و سایر اوراق مالی اعتباری از این قبیل از جمله اموال مادی با خصوصیات ماکئی و اعتباری هستند که با حواس انسان قابل رویت و لمس خواهند بود (اسدالله امامی، حقوق مالکیت معنوی، ص ۳۸) با توجه به مراتب فوق الذکر به اختصار می توان گفت که اموال مادی به اموال و اشیائی گفته می شود که فواید مادی و اقتصادی داشته و نیاز انسان را رفع می کند این اموال ممکن است عین خارجی قابل رویت یا منافع ناشی از عین خارجی قابل لمس و رویت یا غیر قابل رویت و غیر ملموس باشند، و یا ممکن است اشیاء اعتباری باشند به این معنی که حکومت و قانون برای اینگونه اشیاء ارزش اقتصادی قائل شده و آن ها را قابل داد و ستد در راستای رفع نیاز جامعه قرار دهد.

از سوی دیگر اموال غیر مادی نقطه مقابل اموال مادی است پس اموال غیر مادی به آن دسته از اموال گفته میشود که صورت مادی و خارجی نداشته ولی دارای ارزش اقتصادی و اعتبار داد و ستد دارد ولی مثل اموال مادی مورد حمایت قانونی قرار گرفته مثل مالکیت مولفان، هنرمندان حق اختراع و علائم تجاری و غیره می توان از مصادیق اموال غیر مادی باشد و رابطه ای ناشی از مالکیت ایجاد میشود با توجه به موضوع حق است نه خود حق که با این وصف حق مالکیت می تواند ناشی از اموال مادی باشد مثل حق مالکیت نسبت به اتومبیل یا زمین و یا حق مالکیت

از اموال غیر مادی باشد مثل حق مالکیت بر علائم تجاری و مالکیت مولف بر تالیفات و غیره اشاره داشته بنابراین مالکیت یا حق مالکیت را نمی توان به حق مالکیت مادی و غیر تقسیم کرد؛ زیرا حق را نمی توان لمس نمود یا رویت کرد و آنچه قابل لمس و رویت می تواند باشد یا می توان آن را لمس و رویت کرد، موضوع حق است نه خود حق. بنابراین موضوع بعضی از حقوق مالکیت مثل زمین و ساختمان، بصورت مادی است و موضوع بعضی از حقوق مالکیت مثل مالکیت مولفان، حق اختراع، علائم تجاری و غیره غیر مادی است. در پایان این قسمت میتوان گفت که کلیه اموال اعم از مادی و غیر مادی که بصورت حق مالکیت اشاره شده چند خصیصه مشترک داشته که عبارتند از قابلیت اختصاص یا اختصاص داشته اموال مادی و یا معنوی و همینطور نفع عقلایی داشته این دسته حقوق و اینکه عرفاً و قانوناً قابلیت ارزش گذاری مالی داشته و اینکه مستقلاً نیز قابلیت نقل و انتقال نیز داشته اند.

۳-۱- مالکیت و ارکان متشکله آن

مالکیت کلمه ای است که ریشه در لغت عرب دارد و منشاء آن مال و ملک است. کلمه مالکیت در لغت و ادبیات، مصدر جعلی یا صناعی نامیده شده و به معنای مالک و یا صاحب بودن آمده (محمد معین، فرهنگ فارسی، علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص) و از اسم فاعل ملک، یملک گرفته شده است. مقنن در سیستم قانونی ایران تعریفی از مالکیت ارائه نداده است ولی برخی از مواد قانونی از جمله مواد ۲۹، ۳۷، ۳۵، ۳۸، ۱۴۲، ۱۶۶، ۲۶۴ ق. م کلمه مالکیت به کار برده شده است.

در فقه امامیه مالکیت حق ملکیت عبارت از سلطنت و یا احاطه کسی (مالک) است بر چیزی که مملوک نامیده میشود که سلطه بر شیئی، امری اعتباری است که عقلاً آن را بر حسب نیاز جامعه برای اشخاص حقیقی یا حقوقی اعتبار کرده اند و اسلام نیز اعتبار آن را امضا کرده است. در حقوق مالکیت حق استعمال و تصرفات به هر صورت از سوی مالک در ملک و مال خود به جز مواردی که استثناء شده می باشد (محمد جعفر؛ جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، ص ۳۱۵۲). مالکیت مهم ترین حق عینی است و عبارت از رابطه ای است بین شخصی و شیئی که به وی حق همه گونه تصرف و انتفاع را می دهد. (سید محسن صفاتی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ص ۱۶۸) مرحوم امامی در تعریف مالکیت اعلام کرده که مالکیت عبارت از رابطه ای است بین شخصی و چیز مادی تصور شده که آن را معتبر شناخته و به مالک حق می دهد که انتفاعات ممکنه را از آن ببرد و کسی نتواند از او جلو گیری کند. مرحوم امامی در تعریف مذکور ملکیت خیار، ملکیت حق انتفاع میشود. رابطه ملکیت را به اعتبار دارند، حق مالکیت و به اعتبار موضوع آن مملوکیت می گویند. (سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۴۲) مرحوم کاتوزیان در کتاب اموال و مالکیت ش ۱۰۹ در تعریف مالکیت اعلام داشته که مالکیت حقیقی است دائمی که به موجب آن شخص می تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند.

از تعریفی که تا کنون اعلام شده می تواند برای مالکیت عناصر قائل شده که عبارتند از اینکه:

اولاً: اختصاص چیزی از چیزها اعم از منقول و یا غیر منقول به شخص یا اشخاصی

ثانیاً: غالباً آن چیز مال است خواه از اعیان خارجی باشد یا از منافع

ثالثاً: قابلیت انتقال به وراثت

ذکر این نکته لازم و ضروری است به اینکه مالکیت حقی مطلق محسوب می شود زیرا این حق به صاحب آن اجازه می دهد که هر گونه تصرفی در مال خود بکند. هر نوع بهره ای از آن ببرد مگر آنچه به موجب قانون استثناء شده باشد.

نکته دیگر اینکه مالکیت حقی است انحصاری زیرا مالک حق دارد منحصراً از مال خود بهره مند شود و از تصرفات دیگران در آن جلوگیری نماید هر چند که این تصرفات هیچ ضرری به حال او نداشته باشد.

۴-۱- مالکیت معنوی و شاخه های آن

مالکیت و ارکان و عناصر آن در قسمت قبل بیان و تبیین گردید. معنوی در فرهنگ لغت به معنای باطنی، حقیقی و در مقابل مفهوم مادی ظاهری و صوری به کار رفته است.

دارایی مثبت از اموال و حقوق مالی تشکیل شده که این حقوق را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: حقوق عینی: حقوقی است که به اشیاء معین مادی تعلق می گیرد مثل حق مالکیت و حق مستاجر نسبت به عین مستاجر

دسته دوم: حقوق دینی: حقوقی است که اشخاص بر ذمه دیگران دارند مثل حق طلبکار از بدهکار

دسته سوم: حقوق معنوی یا فکری: حقوقی است که داخل در هیچ از دو دسته مذکور نیست و موضوع آن شیئی معین مادی نیست بلکه موضوع فکر و فعالیت فکری است حقوق فکری یا مالکیت معنوی مانند مالکیت نوعی حقوق انحصاری هستند بدین معنی که به صاحب حق اجازه می دهد منحصراً بدان گونه که می خواهد از حق خود بهره برداری کند از این رو این حقوق را مالکیت فکری نامیده اند. بنا بر این نمی توان گفت که مالکیت معنوی صرفاً جزء حقوق عینی بوده و یا اینکه صرفاً جزء حقوق دینی بوده بلکه خود گروه خاصی بود که در همین جهت جز تقسیم بندی جدید حقوق مادی در آمدن و تحت عنوان مالکیت فکری و یا مالکیت معنوی ذکر می شود.

با توجه به وجوه افتراق مالکیت مطلقاً مادی و مالکیت فکری یا معنوی و در نظر گرفتن خصوصیات و اوصاف این دو و مالکیت خصوصاً مالکیت فکری، شخصیت و معنویت پدید آورنده ی اثر جایگاه ویژه ای دارد می توان مالکیت فکری را چنین تعریف کرد:

« مالکیت فکری یا مالکیت معنوی رابطه حقوقی معنوی و مادی خاصی است بین پدید آورنده اثر و آفریننده فکری که به موجب آن صاحب اثر با حفظ شخصیت و اعتبار معنوی خود حق بهره برداری مادی از آن را در حدود قانون دارد.»

این تعریف گرچه خالی از ایراد نیست ولی تا حدودی خصوصیات اصلی و اساسی مالکیت فکری را بیان می کند همانطور که در تعریف عنوان شده است در مالکیت فکری دو حق کاملاً متمایز معنوی و مادی در کنار هم وجود

دارد که وجه تمایز آن از مالکیت مطلق مادی است. (اسدالله امامی، ص ۳۴) مرحوم کاتوزیان حقوقی معنوی را حقوقی می داند که به صاحب آن اجازه می دهد از منافع و شکل خاصی از فعالیت یا فکر انسان منحصراً استفاده کند. (کاتوزیان، اموال و مالکیت، ص ۱۰۴)

دکتر صفائی مالکیت های فکری یا معنوی را حقوقی می داند که دارای ارزش اقتصادی و داد و ستد است ولی موضوع آنها شیئی معین مادی نیست از نظر ایشان موضوع حقوق مالکیت معنوی و یا فکری در واقع فکر و اثر فکری است. (سید حسین صفائی، ص ۳۰۹) در موافقت نامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی (تریپس) اصطلاح مالکیت معنوی، کلیه انواع مالکیت معنوی مربوط میشود. (حق کپی برداری، حمایت از اجرا کنندگان، تولید کنندگان صفحه گرامافون و سازمانهای پخش کننده، علائم تجاری، نشانه های جغرافیایی، طرح های صنعتی، اختراع، طرح های ساخت مدارهای یکپارچه و حفاظت از اطلاعات افشا نشده). بنابراین با توجه به مراتب فوق، حقوق مالکیت معنوی در معنای وسیع کلمه عبارت است از حقوق ناشی از آفرینش ها و خلاقیت های فکری در زمینه های علمی، صنعتی، ادبی و هنری (سید حسین میر حسینی، ص ۲۱)

به طور سنتی حقوق مالکیت معنوی به دو شاخه اصلی حقوق مالکیت صنعتی و حق مولف یا حق کپی برداری تقسیم می شود. غرض از مالکیت صنعتی همانطور که در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی آمده است مفهوم عام است و این مفهوم نه تنها در صنعت و بازرگانی به معنی اخص اطلاق می شود بلکه بر رشته های صنایع کشاورزی و استخراجی و کلیه محصولات مصنوعی یا طبیعی از قبیل برگ توتون میوه و دام و گل و مواد معدنی و آب های معدنی و آرد و دانه نیز مشمول دارد.

با توجه به کنوانسیون پاریس موضوع حمایت مالکیت صنعتی، ورقه های اختراع، نمونه های اشیاء مصرفی و طرح ها و مدل های صنعتی و علائم کارخانه ها و یا بازرگانی و علائم مربوط به خدمات و اسم بازرگانی و مشخصات مبدأ یا نامگذاری اصلی جنس و نیز جلوگیری از رقابت نام مشروع می باشد.

در موافقت نامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی (تریپس)، اسرار تجاری، طرح های ساخت مدارهای یکپارچه، نشانه های جغرافیایی نیز تحت عنوان حقوق مالکیت صنعتی قابل حمایت معرفی شده اند. نکته قابل ذکر این است که حمایت از اختراعات، علائم تجاری و طرح های صنعتی به صورت اعطای حق استفاده انحصاری صورت می گیرد. ولی جلوگیری از رقابت نام مشروع به حقوق انحصاری مربوط نمی شود بلکه عمده فعالیت های رقابتی است که با فعالیت های صادفانه در امور صنعتی و بازرگانی مغایرت دارد.

حق مولف یا کپی رایت برای مولفان و سایر آفرینندگان آثار ادبی و هنری حقوق خاصی را قائل می شود تا آنان بتوانند در مدت زمان معین اجازه بهره برداری آثار خود را به دیگران بدهند یا بهره برداری از آن را ممنوع بسازند. کپی رایت در معنای وسیع کلمه شامل حقوق جانبی نیز می گردد. در رابطه با حقوق جانبی ذکر این نکته لازم است که علاوه بر حمایت آثار ادبی و هنری که ثمرات آفرینش فکری می باشند، بسیاری از قوانین ملی از گروه های خاصی که فعالیت ایشان در زمینه فرهنگ ایجاد سرگرمی و رسانه های گروهی نقش به سزایی دارد، تحت عنوان حقوق مرتبط یا حقوق مجاور با کپی رایت حمایت به عمل می آورند.

گروه های ذی نفع در برخورداری حمایت حقوق مرتبط عبارتند از:

۱- هنرمندان اجراء کننده که نوعاً منظور بازیگران، هنر پیشگان، نوازندگان و خوانندگان می باشند در بسیاری از قوانین ملی به اجرا کنندگان مزبور حقوقی در خصوص اجراهایشان اعطا شده که مشابه با حقوق مولفین در آثارشان می باشد. مثل حق ضبط یا تکثیر اجرا.

۲- تهیه کنندگان آثار صوتی که در قبال تکثیر غیر مجاز محصولات و فرآورده های صوتی شان مورد حمایت قرار می گیرند.

۳- سازمان های پخش رادیویی - تلویزیونی که غالباً در سطح ملی در مقابل استفاده بدون مجوز از برنامه هایشان مورد حمایت قرار گرفته اند.

شایان ذکر است که در نظام حقوقی رومی - ژرمنی به این حقوق عنوان حقوق مجاور اطلاق میشود کشورهایی که نظام حقوقی انگلیسی - آمریکایی دارند غالباً از گروه های دوم و سوم در خود قانون کپی رایت حمایت به عمل می آورند هر چند به تولیدات ایشان اثر ادبی و هنری اطلاق نشده و تحت عنوان کلی اثر یا مفاهیم مشابه از آن یاد میشود.

با توجه به مراتب فوق تحت عنوان کپی رایت یا حق مولف در معنای وسیع کلمه آثار ادبی و هنری از قبیل کتاب رساله، جزوه، نمایش نامه، شعر، سرود، اثر سمعی و بصری، اثر موسیقی، نقاشی، تصویر، طرح نقش، اثر معماری، اثر عکاسی و غیره، ... و حقوق جانبی مورد حمایت قرار می گیرند. (سید حسین میر حسینی، صص ۲۱-۲۳-۲۲)

۲- مبانی حمایتی ثبتی

در حقوق ایران به منظور حمایت از حقوق پدید آورنده اثر و جلوگیری از تجاوز به حقوق مزبور ضمانت اجرای حمایت ثبتی را قائل شده اند که به ترتیب به ذکر و تبیین آنها می پردازیم.

۲-۱- ثبت آثار فکری

ثبت آثار فکری یا صدور مجوز چاپ کتب ادبی و آثار هنری، در گذشته بیشتر با هدف کنترل آثار فکری ایجاد شده بود که در قرون ۱۶-۱۸-۱۷ در اروپا خصوصاً در انگلستان و فرانسه معمول و مرسوم گردیده بود و بعد از پیدایش و اختراع صفت چاپ و فراهم شدن زمینه تکثیر انبوه آثار و آفرینش های ذهنی این کنترل شدت بیشتری پیدا کرد که این روش با اجباری شدن ثبت اثر در بعضی از کشورهای غیر دموکراتیک هنوز ادامه دارد و هدف اصلی نیز کنترل افکار و عقاید اندیشمندان است ولی در کشورهای دارای حکومت دموکراسی تمایل به ثبت آثار فکری بیشتر به منظور آسان تر شدن اثبات دعوی مطروحه و جلوگیری از پیدایش اختلافات و طرح دعاوی بی اساس است نه به منظور تفتیش عقاید و افکار متفکرانه و اندیشمندان (اسدالله امامی، ص ۲۸۸)

در حقوق ایران ثبت آثار و آفرینه های فکری اجباری نسبت که از این نظر تفکر حاکم بر سیستم حقوقی ایران تا حدودی با مفاد کنوانسیونهای بین المللی هماهنگی دارد. ماده ۲۱ قانون حمایت حقوق مولفان و هنرمندان ایران

در خصوص ثبت اثر فکر چنین می گوید: پدید آورندگان می توانند اثر و نام و عنوان و نشانه ویژه اثر خود را در مراکزی که وزارت فرهنگ و هنر (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) با تعیین نوع آثار آگهی می نمایند، به ثبت برسانند. آیین نامه چگونگی و ترتیب انجام یافتن تشریفات ثبت و هم چنین مرجع پذیرفتن در خواست ثبت به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. با توجه به نحوه تنظیم ماده ۲۱ معلوم میشود که ثبت آثار فکری اقدامی اختیاری است برای حمایت از آثار فکری، بر عکس حق اختراع یا علائم تجاری و صنعتی نیاز به ثبت ندارد و اگر پدید آورنده اثری آن را به ثبت نرساند در حقوق مادی و معنوی وی، در صورت اثبات محفوظ خواهد بود. (اسدالله امامی، ص ۲۹)

۲-۲- ضمانت اجرا (اعتراض)

صاحب حق مالکیت معنوی یا فکری این حق را داشته نسبت به کسانی که به حقوقش تجاوز کرده اعتراض و اقدامات قانونی لازم را داشته باشند. در آیین نامه قانون ثبت علائم و اختراعات اعتراض قبل از اینکه علامت یا اختراع ثبت شده باشد و همچنین اعتراض به علائم یا اختراعات ثبت شده پیش بینی شده است. اعتراضات مربوط به علائم و اختراعاتی که هنوز به ثبت نرسیده است باید کتباً به شعبه ثبت علائم تجاری و اختراعات تسلیم گردد) ماده ۵۱ آیین نامه اصلاحی اجرا قانون ثبت علائم و اختراعات)

هر گاه اعتراض معترض مبنی بر حق مالکیتی باشد که نسبت به علامت یا اختراع مورد تقاضای ثبت ادعا می نماید بدون اینکه آن علامت یا اختراع در ایران به اسم او ثبت شده باشد اعتراض او وقتی پذیرفته میشود که ثبت علامت یا اختراع را نیز مطابق قانون علائم و اختراعات و مقررات این آیین نامه تقاضا نماید. همین ترتیب در هر موردی نیز باید رعایت شود که اعتراض معترض برای حفظ حقوق خود نسبت به علامت یا اختراعی به عمل می آید که علامت یا اختراع هنوز در ایران به ثبت نرسیده است مگر آنکه علامت یا اختراع قانوناً قابل ثبت نباشد) ماده ۵۳ آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم و اختراعات) تا ده روز از تاریخ وصول اعتراض نامه شعبه ثبت علائم و اختراعات باید آن را به اقامتگاه درخواست کننده ثبت یا اشخاصی که موجب ماده ۴۶ معین میشوند ابلاغ کند. در ضمن ابلاغ نامه باید صراحتاً اخطار شود که هر گاه به اعتراض معترض تسلیم گردد در خواست دادرسی مدنی برای ابلاغ دادخواست مقرر است (ماده ۵۴ آیین نامه)

هر گاه درخواست کننده ثبت کتباً به اعتراض معترض تمکین نموده درخواست او مسترد شده و مراتب کتباً به معترض اخطار می گردد و هر گاه علامت یا اختراع معترض قبلاً به ثبت نرسیده باشد بر طبق اظهار نامه که مطابق ماده ۵۳ در حین اعتراض تقدیم نموده اقدام به ثبت آن میشود (ماده ۵۵ آیین نامه) معترض باید تا شصت روز از تاریخ ابلاغ اعتراض نامه، به درخواست کننده ثبت به دادگاه شهرستان تهران رجوع کند مگر اینکه قبل از انقضای این مدت تقاضا کننده ثبت مطابق ماده قبل به اعتراض او تمکین کرده باشد (ماده ۵۶ آیین نامه اصلاحی) هر گاه معترض در مدت مذکور فوق به دادگاه شهرستان تهران رجوع ننموده، شعبه ثبت علائم و اختراعات به درخواست کسی که تقاضای ثبت علامت را کرده بعد از ملاحظه گواهی دفتر دادگاه شهرستان تهران که حاکی از عدم

تقدیم دادخواست باشد علامت یا اختراع را به اسم معترض علیه ثبت خواهد کرد و در اینصورت حقوق و مخارجی که معترض بر طبق ماده ۱۶ قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات تادیه کرده باشد بشف دولت ضبط خواهد شد. (ماده ۵۷ آیین نامه اصلاحی) اگر معترض نتواند تمام اسناد و مدارک خود را به دادخواست ضمیمه نماید به تقاضای او رئیس دادگاه پس از رسیدگی و در صورت لزوم مهلتی که بیش از شش ماه نباشد خواهد داد (ماده ۵۸ آیین نامه اصلاحی) مهلت مذکور در فوق به درخواست کننده ثبت نیز دفاع داده خواهد شد. (ماده ۵۹ آیین نامه اصلاحی) سایر ترتیبات رسیدگی خواه در دادگاه شهرستان و خواه در دادگاه استان همان است که برای رسیدگی به دعاوی تجاری مقررات (ماده ۶۰ قانون آیین اصلاحی) هر کس بخواهد ابطال علامت تجاری یا ورقه اختراع را که در ایران به ثبت رسیده است تقاضا کند باید به دادگاه شهرستان تهران دادخواست بدهد (ماده ۶۱ آیین اصلاحی)

ابلاغ دادخواست و مقدمات کتبی دعوی و سایر ترتیبات رسیدگی مطابق مقررات آیین نامه دادرسی مدنی به عمل خواهد آمد (ماده ۶۲ آیین نامه اصلاحی)

به چند نکته باید توجه شود اینک:

اولاً: مرجع رسیدگی به اعتراض در هر حال مرجع قضایی است و مراجع غیر قضایی هیچ گونه اختیار در رسیدگی به اعتراضات اعلامی ندارند.

ثانیاً: با توجه به ماده ۴ آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضاییه می توان شعب خاص را برای رسیدگی به دعاوی مربوط به مالکیت ها، معنوی و صنعتی اختصاص داد.

حق اعتراض در زمینه حق کپی برداری نیز در مواردیکه نیاز به ثبت دارد و هم قبل و هم بعد از ثبت اثر پذیرفته شده است. البته برای عدم ثبت اثر مولف یا مصنف یا مترجم، قانون ضمانت اجرایی پیش بینی نکرده است و با توجه به اطلاق ماده قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان تأکیدی برای ثبت اثر وجود ندارد زیرا در فرض عدم ثبت هم در صورت انتشار اثر تحت حمایت قانون خواهد بود. طبق آیین نامه اجرایی قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۵۰ قبول درخواست ثبت اثر و همچنین ثبت آن مانع اعتراض و ادعای حق از ناحیه دیگر اشخاص نخواهد بود. (سید حسین میر حسینی، صص ۲۸۰-۲۸۱)

بر اساس ماده ۱۱ قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی برای ذی نفع نیز تحت هیچ شرایطی حق اعتراض و پیگیریهای قضایی را پیش بینی کرده است. نشانه جغرافیایی نام یا سمبلی است که برای معرفی برخی کالاها که به محل یا مبدا جغرافیایی خاص مانند (شهر، منطقه یا کشور) تعلق دارد به کار می رود. استفاده از این نشانه به عنوان گواهی نامه ای عمل می کند که نشان می دهد کالا دارای برخی کیفیت یا معروفیت به لحاظ مبدا جغرافیایی خود است (حسین علی امیری، اجرای حقوق مالکیت صنعتی در مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران، ص ۹۶)

قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی ایران نیز در راستای الزامات عام ماده ۲۲ موافقت نامه تریپس مقرر میدارد که هر شخصی یا هر گروه ذی نفع می تواند در خصوص نشانه های جغرافیایی به منظور جلوگیری از اعمال زیر یا مطالبه ضرر و زیان ناشی از آنها در دادگاه اقامه دعوی نماید.

(۱) معرفی و انتساب غیر واقعی و گمراه کننده مبدا جغرافیایی کالا
(۲) هرگونه استفاده از نشانه های جغرافیایی که مطابق ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس مصداق رقابت نام مشروع باشد (مواد ۳ و ۲ حمایت از نشانه های جغرافیایی ۱۳۸۳) در این قانون نیز مانند موافقت نامه تریپس مدت حمایت از نشانه های جغرافیایی پس از ثبت و یا حتی بدون ثبت نام محدود است، مشروط بر اینکه رابطه میان کالا و محیط جغرافیایی آن، بنا به تعریف کماکان حفظ شده باشد. بدیهی است که در قانون مذکور بر خلاف موافقت نامه، مواد اختصاصی در مورد مشروبات الکلی ملاحظه نمی گردد. (حسین علی میری، ص ۱۰۲)

نتیجه گیری

نتایج زیر در مقاله حاصل شده بدینصورت که عبارتند از:

- ۱- مالکیت معنوی زائیده فکر و اندیشه انسانها بوده که در مقابل حقوق عینی و حقوق دینی، بصورت یک حق مستقل قابل ارزیابی و تامل می باشد.
- ۲- مالکیت معنوی چون قابلیت ارزشگذاری و قابلیت تقویم را داشته حق مالی محسوب گشته از طریق عقود به غیر قابل واگذاری و در صورت فوت صاحب آن حق به ورثه یا وراث نیز منتقل میشود.
- ۳- مالکیت معنوی به شاخه های از قبیل علائم تجاری و اختراعات و نشانه های جغرافیایی و طرح های صنعتی و همینطور حق تالیف تقسیم بندی و مقنن از آن حمایت های لازم قانونی و قضایی داشته که صاحب اثر می تواند از طریق مراجع اداری و نتیجتاً مراجع ثبتی و قضایی (دادگاه عمومی) نسبت حفظ اثر فکری خویش اقدامات لازم را داشته باشند.

منابع:

- ۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا
- ۲- معین، محمد، فرهنگ لغت ج ۴، تهران، انتشارات امیر کبیر
- ۳- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱، چاپ هفدهم، تهران کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۵
- ۴- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۴، چاپ هفدهم، تهران کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۵
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۰
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط، ج ۴، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فرهنگ عناصر شناسی، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲
- ۸- کاتوزیان، ناصر، حقوق اموال و مالکیت، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶

- ۹- صفایی، سید حسین، حقوق مدنی، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴
- ۱۰- امامی، اسدالله، حقوق مالکیت معنوی، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶
- ۱۱- میر حسینی، سید حسن، مقدمه ای بر مالکیت معنوی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵
- ۱۲- رحمانی، محمد صدیق، حقوق مالکیت فکری، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹
- ۱۳- حسین، علی امیری، اجرای حقوق مالکیت صنعتی در مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- ۱۴- سید مصطفی، محقق داماد، قواعد فقه ج ۲ بخش مدنی، تهران، انتشارات سمت.



The nature of intellectual property in Iranian and Islamic law

Abstract:

Intellectual property is one of the types of property that is respected both in jurisprudence and in law, and the guarantee of many legal, criminal and registered enforcements is foreseen in order to prevent infringement of those rights. Therefore, intellectual property has created a special place for itself, along with tangible properties, and on the other hand, its financial and spiritual value has also played a significant role in raising its status, and finally these factors have led to the formulation of many laws regarding intellectual property, which are the result of intellectual property. On the other hand, it is necessary to mention that intellectual property is divided into two branches, intellectual property and industrial property, and each of them has seen its own field and legal development, and the dependence of countries on each other and their commercial relations cause the increasing development of intellectual property in countries, has become. As a result, it should be noted that the traditional division of financial rights into objective rights and religious rights has been changed in new and contemporary laws, and intellectual property rights have been added as the third category of financial rights.

Key words: right, objective property, intellectual property, performance guarantee.

